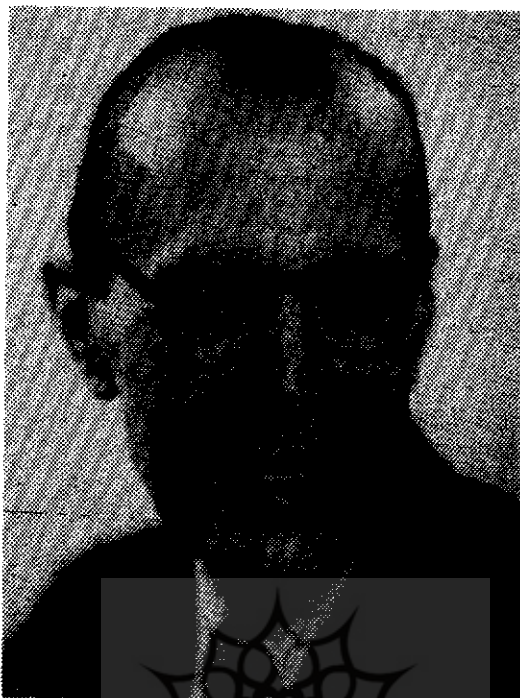


# محمد تقی بهار (ملک الشعراء)

محمد تقی بهار ملک الشعراء فرزند حاجی یی میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعراء آستان قدس رضوی، در سال «۱۳۰۴ هجری قمری در ماه ربیع الاول در مشهد بدنیا آمد. نظر به اینکه محمد کاظم صبوری ملک الشعراء آستان حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بود هر وقت به مجالس و محافلی می رفت فرزندش محمد تقی را با خود می برد و او را با محیط و مردم آن سامان آشنا می کرد، بدین سبب محمد تقی خیلی زود با مردم آشنا شد و در میان آنها نام و نشان یافت تا اینکه در کشاکش اوایل مشروطه طلبی صبوری در سال ۱۳۲۲ هجری در مشهد در گذشت و بهار جوان در میان آن علماء و گویندگان نام آور از طرف مظفرالدین شاه به جای صبوری پدر به مقام ملک الشعراء حضرت علی بن موسی الرضا (ع) رسید. بهار با اینکه دارای مقامی بود که طبعاً باید از جریانهای سیاسی کناره گیری کند اما طبع سرکش او سکوت و سکون را قبول نمی کرد. در این زمان در مشهد روزنامه طوس مخفی و روزنامه خراسان نیمه مخفی منتشر می شدند. بهار با نام مستعار با این روزنامه ها همکاری می کرد و گاه گاهی شعر و مقاله ای هم برای درج برای سید جلال الدین کاشانی مؤید الاسلام مدیر حبل المتین به کلکته می فرستاد.

بهار بعد از چندی همکاری با روزنامه های وقت خراسان، در سال ۱۳۲۸ هجری قمری امتیاز روزنامه نوبهار را گرفت و قریب یک سال نوبهار را در مشهد منتشر کرد و چون نوبهار سال اول به دستور نماینده و قنصل دولت روسیه تزاری توقیف شد بهار به جای نوبهار روزنامه تازه بهار را در شهر مشهد منتشر کرد. تازه بهار هم بیش از ۹ شماره منتشر نشده بود که آن نیز به کام توقیف



فرورفت. بهار سال دوم نوبهار را شروع به انتشار کرد. سال دوم نوبهار هم قریب یکسال انتشار یافته بود که بهار از طرف مردم کلات و دره گز به نمایندگی مجلس انتخاب شد و به ناچار از مشهد که شهر دلخواه او بود رحل اقامت در تهران افکند. بهار پس از آنکه به تهران آمد و به مسؤلیت نمایندگی خود سروسامانی داد، امتیاز روزنامه نوبهار را در تهران گرفت. این دوره نوبهار هم از سال ۱۳۳۳ ق در تهران منتشر شد که قسمتی از آن همزمان با جنگ اول جهانی بود. در دوران پر آشوب جنگ هم چندین مرتبه نوبهار توقیف شد و بهار، نوبهار را به نام‌های دیگر انتشار داد.

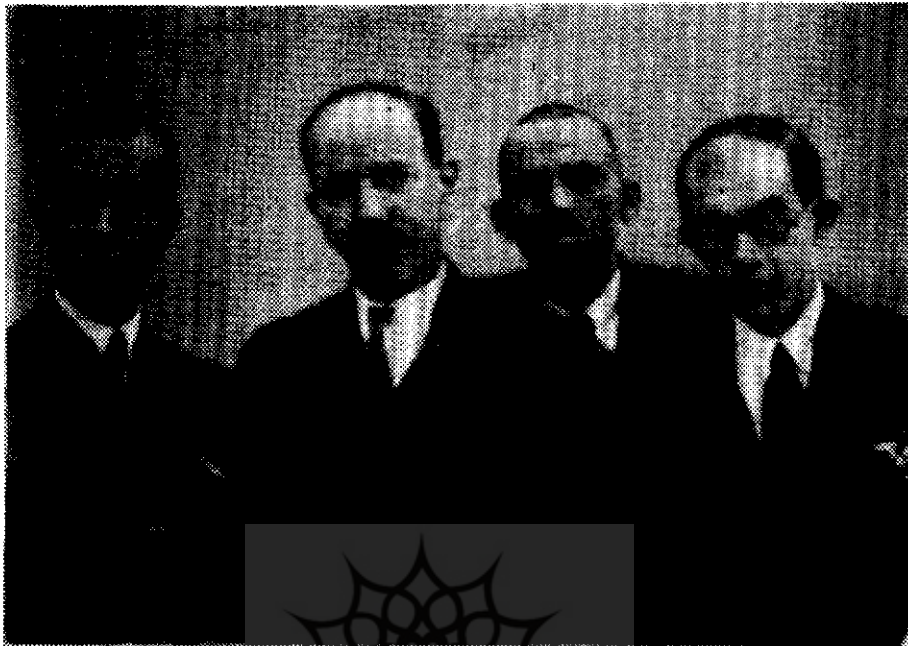
بهار قریب دو سال مدیریت روزنامه نیمه رسمی ایران را از اواخر سال ۱۲۹۸ تا سوم اسفند ۱۲۹۹ به عهده داشت. تا اینکه در کودتای سید ضیاءالدین طباطبایی در روز سوم اسفند بهار را از مدیریت ایران نیمه رسمی برداشتند و آقای اسمعیل یکانی را که یکی از فرهنگیان و روزنامه نگاران بود به جای بهار گذاشتند. بهار پیشتر مجله دانشکده را منتشر کرده بود او مدتی نیز با روزنامه نگار و شاعر بزرگ انقلابی در چاپ و نشر روزنامه هفتگی طوفان همکاری کرد. مدتی میرزاده عشقی را یاری قلمی داد که بتواند روزنامه قرن بیستم را منتشر کند. و چندی با روزنامه ستاره همکاری کرد. و نیز مدتی مقالات اساسی روزنامه قانون را که مدیریت آن با رسا بود می‌نوشت. القاصه بهار را در دوره رضاخان به صورت آزاد گذاشتند تا روزنامه سیاسی منتشر کند. چندی در مجلس شورای ملی با مرحوم مدرس در اقلیت همکاری کرد. و بین سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۰ که میر محمد حجازی مجله ایران امروز را منتشر کرد با او همکاری کرد و از همه مهمتر در این ایام که وحید دستگردی ارمغان را

منتشر می‌کرد. گاهی شعر و نوشته‌ای به ارمغان می‌داد و علاوه بر همکاری با ارمغان، منجید موقر مدیر روزنامه مهر ایران و مجله مهر ایران را یاری قلمی می‌داد و در این دو نشریه اخیر نوشته‌ها و مقالات بسیار ارزنده‌ای از بهار به چاپ رسیده است که اگر خداوند عنایت کند محمد گلبن برخی از آن مقالات را در جلد سوم بهار و ادب و فارسی خواهد آورد و امید به چاپ و نشر آن دارد. بهار بار دیگر بعد از شهریور ۱۳۲۰ امتیاز روزنامه نوبهار را در تهران تجدید کرد و این دوره نوبهار که در مجموع ۱۰۳ شماره انتشار یافته از روزنامه‌های خوب است که به قلم و مساعدت استاد بهار انتشار یافته است. بهار همزمان با انتشار این دوره نوبهار چون مشغول تصحیح و تنقیح چند متن خوب فارسی بود و در ضمن دست به تألیف سه مجلد سبک شناسی زده بود کم کم بیماری سل قوای فعاله او را تحلیل برده و موفق به کار روزنامه نگازی نبود. گاهی با برخی از روزنامه‌ها مصاحبه‌ای انجام می‌داد تا اینکه در سالهای ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ ش بیماری استاد شدت گرفت. و تصمیم به سفری به اروپا برای معالجه گرفت. روان شاد تقی زاده سعی کرد از طرف مجلس شورای ملی و مجلس سنا هزینه سفر استعلاجی برای استاد دست و پا کند. که تلاش او به جایی نرسید. نامه‌ای از تقی زاده به استاد بهار، محمد گلبن در اختیارم قرار داده است که در آن نوشته شده است «مثل اینکه خداوند دوست ندارد این ملت پولش را در راه خیر صرف کند.» به هر حال بهار بعد از شهریور ۲۰ با حال نزار و بیماری سختی که داشت مجلد سوم سبک شناسی را به پایان رسانید و آن را چاپ کرد بهار در پایان مقدمه‌ای که تاریخ آذرماه ۱۳۲۶ ش را دارد، در آغاز سبک شناسی آورده است که:

#### «یاران گرامی»

«اینک سفری به قصد استعلاج در پیش دارم که چندان امیدی در بازگشت و ادامه خدمات ملی در آن سفر نمی‌رود. هرچه سرنوشت من باشد از آن گریزی نیست. بدین سبب آخرین سرگذشت خویش را در این کتاب که شاید به خلاف معمول آخرین آثار ناچیز من باشد ثبت کردم و اگر امیدی به حیات داشته باشم برای آنست که خدمتی به مردم مملکت خویش بنمایم والا ای بسا آرزو که خاک شد! تهران آذر ۱۳۲۶ م - بهار»

استاد بهار بعد از سفر استعلاجی که از سوئیس بازگشت چند مطلب در مجله یغما و مجله دانش نوشت و در ضمن دست به تشکیل کمیته صلح زد و قصیده «جغد جنگ» را ساخت. در این کمیته استاد محمدعلی حکمت که در دانشکده حقوق تهران «تاریخ ملل» را تدریس می‌کرد معاونت استاد بهار را به عهده داشت و روزنامه‌های را منتشر می‌کردند که در حقیقت ارگان نشر عقاید اعضاء این کمیته بود. به هر حال بیماری استاد شدت گرفت تا اینکه روز یکشنبه اول اردی بهشت ماه سال ۱۳۳۰ ش در تهران بدرود حیات گفت. جنازه استاد را از جلو مدرسه و مسجد سهسالار (استاد مطهری امروز) استادان دانشگاه و دانشجویان با حضور رئیس دانشگاه تا چهار راه مخبرالدوله بر سرودش آوردند. و از آنجا با اتومبیل به تجریش به آرامگاه ظهیرالدوله منتقل کردند. روز ۹ اردی



بهشت در دانشگاه مجلس یادبود او برگزار شد. در تهران و مشهد و برخی از شهرهای دیگر مجالس یادبود برای استاد گزار دند. در ضمن در کابل و هند نیز مجلس یادبودی بیاد استاد برگزار کردند. روانش شاد.

شماره ۱

ژوئیه ۱۳۳۶

# دانشگاه

سال اول

۱۳۳۶

مجموعه ایست. ادبی و اجتماعی و اخلاقی و فلسفی و تاریخی  
انتخاب هر ماه ششصدت تکر (میان مؤسسه دانشکده) ششصدت مجموعه

مدیر و مؤسس و  
۴ - بهار

های سالیانه همه جا ۳۰ قرآن است  
تلف نمره : دولران

مجموعه هر ماه صد تکر به نام و در هر ماه صد تکر به نام

مکان مرسلات : تهران اداره ایران - تهران : دانشکده  
مطبعه طهران